



تاریخچه
تغییر خط فارسی - عربی
(ویراست دوم)

در
امپراطوری اسلام، کشورهای اسلامی و ایران
(قرن اول تا کنون)

کاظم استادی



تاریخچه تغییر خط

(تاریخچه تغییر خط در امپراطوری اسلام، کشورهای اسلامی و ایران)

کاظم استادی

چاپ اول، ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، شهدای ژاندارمری،

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۴۳۷-۹

تاریخچہ
تغییر خط فارسی - عربی

کاظم استادی

در این کتاب، رسم الخط «مختلط» وجود دارد؛
تا نمایی باشد از برخی مشکلات خط فارسی.
برای اطلاع بیشتر، رجوع کنید به کتاب دیگر مؤلف، با نام: آینده جدانویسی خط فارسی.

فهرست مطالب

پیشگفتار / ۱۱

بخش اول:

۱۹	اندیشه تغییر خط در «امپراطوری اسلام» /
۲۷	مقدمه؛ در خطوط رایج ابتدایی آغاز قرن اول هجری /
۳۲	تغییرات خط، پس از کشور گشایی مسلمانان /
۳۲	تغییر اول؛ پیدایش اعراب نقطه‌ای /
۴۲	تغییر دوم؛ ابداع حروف نقطه‌دار /
۴۸	تغییر سوم؛ رنگی کردن نقطه‌های اعراب /
۵۰	تغییرات خط، از دوران نهضت ترجمه و تألیف /
۵۳	تغییر چهارم؛ تفاوت گذاشتن بین علامات نقطه و اعراب /
۵۶	تغییر پنجم؛ ابداع اعراب به شکل امروزی /
۵۹	تلاش‌های بی‌ثمر اصلاح و تغییر خط بعدی /
۶۶	تغییر ششم؛ تکامل زیبایی‌های قلم /
۷۷	افول خطاطی و رواج چاپ /

بخش دوم:

۷۹	اندیشه تغییر خط در کشورهای اسلامی /
۸۱	مقدمه /
۸۴	زمینه‌های ظهور موضوع تغییر خط در عثمانی /
۹۴	شروع مباحثات تغییر خط در دولت عثمانی /
۱۰۴	ادامه مجادلات تغییر خط در ترکیه /

۱۰۷	شروع مباحثات تغییر خط در قفقاز /
۱۱۳	تغییر خط عربی در برخی کشورها /
۱۲۰	خط جدید ترکیه /
۱۳۳	در مصر و شام و سوریه /
۱۳۴	در هندوستان /
۱۳۶	شرفشناسان /

بخش سوم:

تاریخچه اندیشه تغییر خط در ایران / ۱۳۷

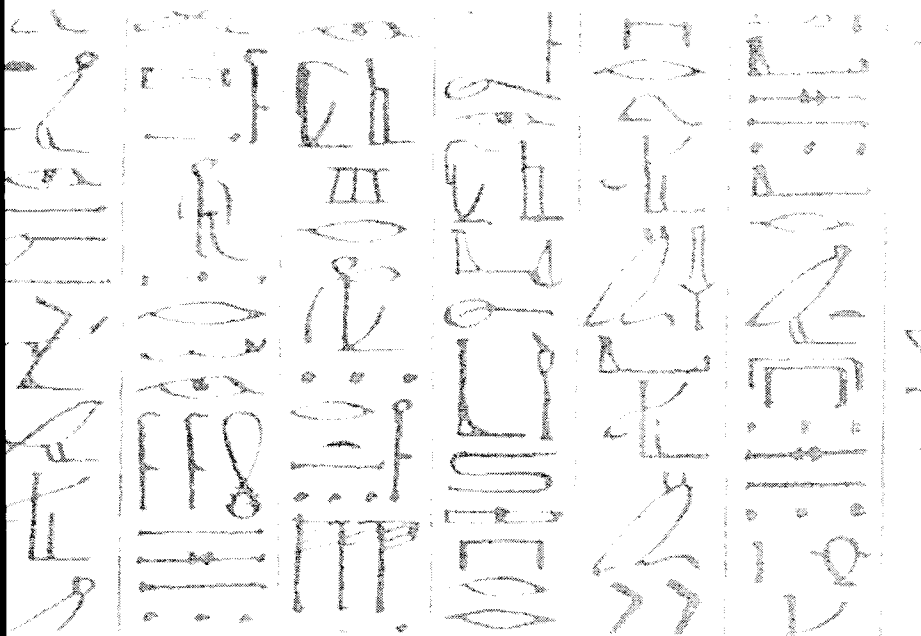
	مقدمه /	۱۳۹
	خط ایرانیان پیش از اسلام /	۱۴۲
	چگونه خط پهلوی جای خود را بخط کوفی داد؟ /	۱۴۵
	زمینه‌های پیدایش تفکر تغییر خط در قرون اخیر /	۱۴۸
	مقدمه /	۱۴۸
۱۵۱	۱ - ورود صنعت چاپ به ایران /	
۱۵۵	۲ - تغییر اوضاع اجتماعی در ایران و شکست‌هایش از روسیه /	
۱۶۱	۳ - اصلاحات در ایران /	
۱۶۶	۴ - تأثیر عثمانی و ایرانیان عثمانی بر ایران /	
۱۷۳	شروع زمزمه‌ی تغییر خط در خارج از ایران /	
۱۹۲	تغییر خط در روزنامه اختر /	
۱۹۷	ملکم‌خان، مؤثرترین فعال تغییر خط /	
۲۰۳	همیار آخوندزاده و ملک‌خان /	
۲۰۸	رواج موضوع تغییر خط /	
۲۱۰	رضاخان ارفع الدوله /	
۲۱۱	رضاخان افشار بکشلو /	
۲۱۲	لطفعلی تبریزی /	
۲۱۳	لطفعلی مجتهد دانش تبریزی /	
	حسین خان /	۲۱۴
۲۱۵	کاظم خان آلان براغوشی /	

۲۱۶	عبدالملی موبد بیدگلی کاشانی /
	ادیب الممالک فراهانی / ۲۱۶
۲۱۷	عبدالرحیم طالبوف /
	علی محمد خان اویسی / ۲۱۹
۲۲۱	حسین کاظمزاده ایرانشهر /
۲۲۳	تغییر خط عربی در برخی کشورها /
۲۲۸	ورود بحث «تغییر خط» از خارج به ایران /
۲۲۹	غلامرضا رشید یاسمی /
۲۳۰	ابوالقاسم اعتصامزاده /
۲۳۱	ابراهیم پورداد /
۲۳۲	لطفعلی صورتگر /
۲۳۳	علی دشتی /
۲۳۴	سید حسن تقی‌زاده /
	آقا نور حقیق صدر المعالی خوانساری / ۲۳۷
۲۴۰	مصطفی فاتح /
۲۴۱	محمد علی داعی الاسلام /
۲۴۳	دیدار رضا شاه از ترکیه /
۲۴۸	دوره بعدی بازار داغ تغییر خط /
۲۵۰	سعید نفیسی /
۲۵۲	ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای /
۲۵۴	سید رضا صفی‌نیا /
۲۵۴	پرویز نائل خانلری /
۲۵۶	شمس‌الدین رشدیه /
۲۵۷	جبار عسگرزاده /
۲۵۸	رحیمزاده صفوی /
۲۶۰	یحیی ذکاء /
۲۶۳	اوج مباحثات تغییر خط در ایران /
۲۶۴	ابراهیم گرانفر /
۲۶۷	نهضت تغییر خط با کمی توقف، ادامه یافت /
۲۶۹	تقلای دوباره برای تغییر خط /

۲۷۴	افول بحث تغییر خط همراه انقلاب اسلامی /
۲۷۸	تغییر خط، بی‌رمق به راه خود ادامه می‌دهد /
۲۷۸	محمود رضائیان /
۲۷۹	مسعود خیام /
۲۸۱	حسن ختام؛ برخی از دلایل به ثمر نرسیدن تغییر خط /
۲۸۲	تکنولوژی، حامی تغییر خط فارسی /
۲۸۳	فعالیت‌های پیرامون حفظ خط فارسی /
۲۸۷	وقایع چند سال اخیر پیرامون تغییر خط /
۲۸۷	بیام یزدانجو /
۲۸۹	فریدون مجلسی /
۲۹۰	حسن بهزادیان نژاد /
۲۹۱	محمد رضا باطنی /
۲۹۲	ابولحسن نجفی /
۲۹۳	مصطفی عاصی /
۲۹۴	علیمحمد حقشناس /
۲۹۶	کوروش صفوی /

بخش چهارم:

۲۹۹	پاسخ به برخی از اشکالات پیرامون تغییر خط /
۳۰۱	مقدمه /
۳۰۷	چرا خط تغییر می‌کند /
۳۱۱	پاسخ به چهارده اشکال مخالفان تغییر خط فارسی /
۳۹۶	خط ایران در آینده نزدیک تغییر خواهد کرد /
۳۹۷	و اکنون، خط در ایران تغییر یافته است /
۴۰۱	خط استادی /
۴۰۳	معرفی خط استادی /
۴۱۰	مزایای خط استادی /
۴۱۷	نمونه خط استادی /
۴۴۲	کتابنامه /



پیشگفتار

نزدیک به سه سال و نیم است که ناخواسته و به تقدیر روزگار^۱ مشغول تدوین و تنظیم «دانشنامه خط فارسی» هستم؛ و عمر گرانمایه را شاید بیهوده، حیف و میل می‌کنم. این دانشنامه، مجموعه‌ای است منحصر بفرد، که شاید از این پس، بتواند مرجع یگانه‌ای برای برخی از مطالعات خط فارسی باشد.

این مجموعه، شامل این عناوین می‌باشد:

ج ۱: درآمدی بر فلسفه خط (۵۲۸ ص)

ج ۲: اختراع خط

ج ۳: انواع خط

ج ۴: پیرامون خط

۱. ر.ک. به انتهای کتاب، عنوان: «خط استادی».

- ج ۵: خط در ایران ۱ و ۲ (۱۲۰۰ ص)
- ج ۶: سیر تحول خط عمومی فارسی (۲۰۰ ص)
- ج ۷: تاریخچه تغییر خط فارسی (۴۴۸ ص)
- ج ۸: فعالان اصلاح الفبا و تغییر خط (۴۴۸ ص)
- ج ۹: آخوندزاده و تغییر خط (۲۲۴ ص)
- ج ۱۰: ملکم خان و تغییر خط (۲۴۰ ص)
- ج ۱۱: مجموعه مقالات پیرامون تغییر خط ۱ و ۲ (۱۵۰۰ ص)
- ج ۱۲: نشریات و تغییر خط
- ج ۱۳: خطوط اختراعی در دو قرن اخیر
- ج ۱۴: حکم فقهی تغییر خط (۲۰۰ ص)
- ج ۱۵: تند نویسی و آینده جدانویسی خط فارسی (۲۰۰ ص)
- ج ۱۶: نویسه گردانی و متون اسلامی (۲۰۰ ص)
- ج ۱۷: پیرامون خط فارسی - عربی
- ج ۱۸: بررسی خط فارسی کنونی
- ج ۱۹: ملاحظات طراحی خط جدید
- ج ۲۰: معرفی خط استادی
- ج ۲۱: خط آینده جهان
- ج ۲۲: کتابشناسی خط فارسی و تغییر خط (۳۲۸ ص)
- ج ۲۳: هولوکاست خط فارسی (۵۹۴ ص)
- ج ۲۴: فهرست اعلام دانشنامه خط فارسی.

این مطالب، در کتابهایی مستقل و همچنین (ان شاء الله) در پنج الی شش مجلد بزرگ، به صورت «دانشنامه خط فارسی» عرضه خواهد شد.

به مناسبت فصل ششم این دانشنامه، مقالات بسیاری، پیرامون تغییر خط فارسی گردآوری و نگارش شده است.^۱ همچنین گاهشماری نیز پیرامون تغییرات خط عربی - فارسی، از قرن اول هجری تا کنون تدوین گشت؛^۲ اما مناسب می‌نمود تا کتابی نیز درباره تاریخچه تغییر خط عربی - فارسی تدوین شود.

پیرامون سرگذشت تغییر خط عربی - فارسی، پیش از این، چند نوشتار کوچک، اختصاراً به بخشی از تاریخچه تغییر خط، پرداخته بودند؛ که عبارتند از:

سرگذشت تغییر خط، یحیی آرین‌پور.

در پیرامون خط فارسی، یحیی ذکاء.

تاریخ خط در ایران، سعید نفیسی.

و ...

ما موضوع تغییر خط را به سه بخش تقسیم نموده و با استفاده از آثار قبلی^۳ و دیگر منابع، در ضمن سه مقاله، تدوین و تنظیم نمودیم.

آنچه اکنون در این کتاب ملاحظه می‌فرمایید، مجموع این سه مقاله می‌باشد، که تحت این سه عنوان ذیل، به تاریخچه تغییر خط فارسی - عربی، پرداخته، و البته، قبلاً نیز در مجلات، به چاپ رسیده است:

۱. ر.ک. به مجموعه مقالاتی از موافقان و مخالفان تغییر خط ج ۱ و ج ۲، کاظم استادی.
۲. این گاهشمار در شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۱، مجله بهارستان کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتشر گشت.
۳. بیشتر، منظورمان به دو اثر: سرگذشت تغییر خط، یحیی آرین‌پور. و نیز: در پیرامون خط فارسی، یحیی ذکاء، می‌باشد.

۱. تاریخچه تغییر خط در امپراطوری اسلام.^۱
۲. تاریخچه تغییر خط در کشورهای اسلامی.
۳. تاریخچه تغییر خط در ایران.^۲

بخش اول کتاب حاضر؛

پیرامون «تاریخچه تغییر خط در امپراطوری اسلام» است. همانگونه که می‌دانید، اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) در مدت چند سال، گسترش قابل ملاحظه‌ای پیدا نمود. این گسترش مناطق جغرافیایی جدید، باعث ایجاد امپراطوری برای اسلام شد. همین امر، سبب رایج شدن خط عربی در بسیاری از مناطق و کشورها گشت.

پس از ورود اعراب مسلمان به ایران، در زمانی نسبتاً کوتاه، خط پهلوی که در آن زمان خط نوشتاری اکثر مناطق ایران بود، از کاربرد عمومی ساقط شد. و حتی تا چند قرن خط یا زبان نوشتاری مردم ایران، زبان و خط عربی گشت و مردم ایران به زبان فارسی چیزی نمی‌نوشتند، مگر در گوشه و کنار، و آن هم غیر قابل توجه.

بنابر آنچه بیان شد، در واقع و به طور رسمی و همه گیر، از اواسط قرن ششم زبان فارسی در نوشتارها، نمایان شد. و اگر بخواهد خط فارسی مورد بررسی واقع شود، باید بدانیم که خط فارسی کنونی، از قرن

۱. این عنوان در مجله بهارستان کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۱۷ منتشر شده است.

۲. این مقاله در مجله «آیین پژوهش» خرداد ۹۱ شماره ۱۳۴ منتشر شده است.

ششم آغاز شده است. و پیش از آن، فارسی نویسی کلاً رایج نبوده است و همه نوشته‌ها به زبان عربی نگارش می‌شده است.

البته باید توجه داشت که؛ خطوط فارسی قبل از این و برخی نوشته‌ها همانند شاهنامه فردوسی یا برخی کتابهای نادر قبل‌تر از آن، به صورت استثنا به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. و فارسی نویسی، در ایران عمومیت نداشته است.^۱

بنابراین در این بخش، به بررسی اجمالی تاریخچه تغییر خط، از ابتدای ظهور اسلام تا پیدایش صنعت چاپ، پرداخته شده است. و تمرکز آن در تغییرات خط عربی، در قرن اول و دوم هجری قمری، می‌باشد.

البته قصد این بخش، پرداختن به انواع خط و زیبایی خط و یا سیر زیباشناسی خط عربی نیست. و یا اینکه نمی‌خواهد تاریخچه و خاستگاه پیشین خط عربی را مطرح نماید؛ بلکه مقصود، توجه به این نکته است که خط عربی - فارسی رایج امروزی، همان خط ابتدایی صدر اسلام نیست. و تغییراتی را به غیر از زیبایی آن، متحمل شده است.

برای تحقیق در این باره، می‌توان به کتب مختلف، همانند کتابهای تاریخ قرآن^۲، علوم قرآنی، برخی تفاسیر قرآن و البته به کتابهای تاریخ خوشنویسی^۳ مراجعه نمود. هر کدام بنا به اقتضایی، به برخی از تغییرات

۱. ر.ک. به: سیر تحول خط عمومی در ایران پس از اسلام، کاظم استادی، نشر علم ۱۳۹۲..
 ۲. همانند: اطلس خط / امیری فیروزکوهی، عبدالکریم / یغما؛ دوره ۲۵، ش ۱ / تهران / ۱۳۵۱. و یا اطلس خط / فضائلی، حبیب‌الله / انجمن آثار ملی اصفهان / اصفهان / ۱۳۵۰.
 ۳. همانند: تاریخ قرآن (فصل خط و کتابت قرآن) / رامیار، محمود / شرکت‌سهامی نشراندیشه؛ / ۲۸۴ ص / تهران / ۱۳۴۶، و یا تاریخ قرآن (فصل خط قرآن در روزگار

خط عربی، پس از ظهور اسلام پرداخته‌اند. همچنین افراد بسیاری، ضمن بحث پیرامون اسناد و نوشته‌های منسوب به صدر اسلام، به بررسی این تغییرات توجه نشان داده‌اند.^۱

همانگونه که اشاره شد، چون در این مقاله، هدف، فقط انعکاس تغییرات غیر زیباشناسی خط عربی بوده است، مناسب دیدیم تا چند صفحه‌ای از کتاب «در پیرامون تغییر خط فارسی»^۲ آقای یحیی ذکاء را مبنا قرار دهیم و همان چند صفحه را توسعه و تکمیل نماییم و تصاویر و پاورقیهای سودمندی، بر آن اضافه کنیم.

بخش دوم؛

پیرامون تاریخچه تغییر خط در کشورهای اسلامی است. پس از اینکه امپراطوری اسلام، از جهت حکومت مرکزی یکپارچگی خود را از دست داد و کشورهای مستقل، اما مسلمان پدید آمدند. این کشورها پس از پیشرفتهای قرون اخیر در اروپا و همچنین رواج صنعت چاپ، رویکردی انتقادی نسبت به خط عربی که خط رایج آن کشورها بود، پیدا نمودند. و همین رویکرد در چندین کشور اسلامی، سبب‌ساز تغییر خط عربی آنها به خط لاتین و یا سیریلیک گشت.

پیامبر(ص) / شاهین، عبدالصبور؛ ترجمه حسین سیدی / به‌نشر / ۴۰۰ ص / مشهد / ۱۳۸۲.

۱. همانند: اسناد و دست‌نوشته‌های قرآنی منسوب به معصومین (ع) / رامین‌نژاد، رامین / بنیاد پژوهشهای اسلامی / ۲۶۴ ص / مشهد / ۱۳۸۶.

۲. در پیرامون تغییر خط فارسی / ذکاء، یحیی / چاپخانه‌نقش جهان / ۱۵۱ / تهران / ۱۳۲۹.

در اطراف این موضوع، منابع اندکی به فارسی موجود است؛ و صفحات اندکی پیرامون آن نوشته شده است. دو اثر، چند صفحه‌ای در این باره مطلب داشتند، یکی همان کتاب «در پیرامون تغییر خط فارسی» آقای یحیی ذکاء می‌باشد و دیگری فصلی از کتاب «از نیما تا روزگار ما»^۱ نوشته آقای یحیی آرین‌پور می‌باشد.

احتمالاً کتابهایی در این موضوع به زبانهای دیگر موجود باشد، که با پیگیری که نمودیم، دسترسی به آنها حاصل نشد؛ بنابراین برای این بخش، همان صفحات اندک آن دو منبع، مبنا قرار گرفت و با تکمیل، چندین برابر توسعه پیدا نمود.

بخش سوم؛

پیرامون تاریخچه تغییر خط در ایران است. که شامل سه دوره؛ «تغییر خط میان ایرانیان خارج نشین» و نیز «دوران پس از تغییر خط در برخی از کشورهای اسلامی همسایه ایران» و دوران سوم؛ اواخر دههٔ سی شمسی است، که «داغ‌ترین دوران بحث تغییر خط در ایران» می‌باشد، به طوری که این مباحث همه‌گیر و در اوج خود قرار گرفت.^۲

و در انتهای این بخش به برخی رویدادهای اخیر، پیرامون تغییر خط فارسی، پرداخته شده است.

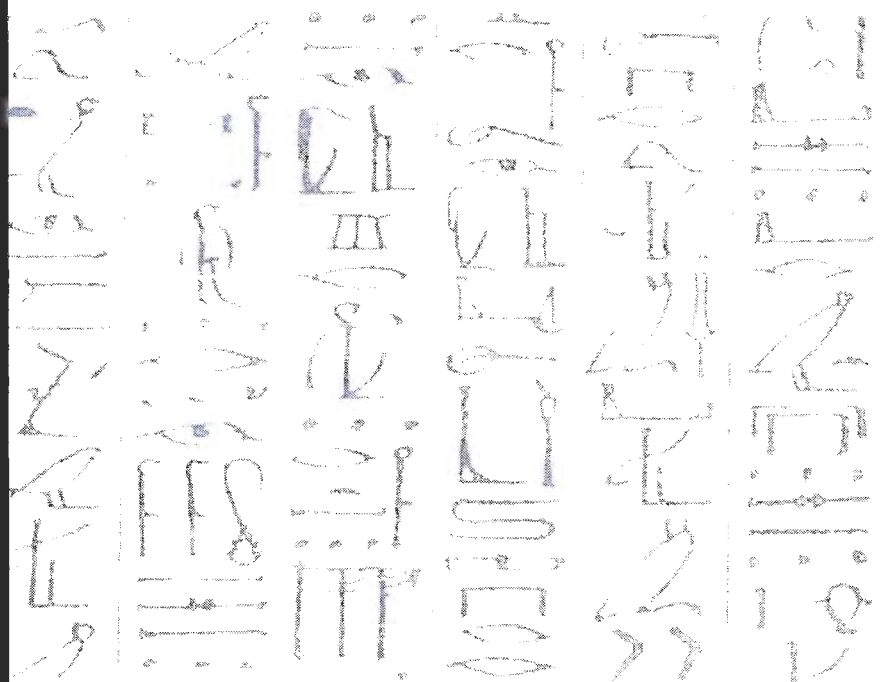
۱. از نیما تا روزگار ما / آرین‌پور، یحیی / بی‌نا / تهران / ۱۳۷۴.

۲. چون این سه مقاله به صورت مجزا چاپ شده بود، دو مقاله آخر، بنا به ضرورت مطالبی اندکی مشترک دارد، به عبارت دیگر حدود دو صفحه از مطالب آنها، اکنون که یکجا و کنار هم منتشر می‌شوند، تکراری است؛ پیشاپیش از این عیب عذرخواهی می‌نماییم.

در پایان، لازم است از جناب آقای روح‌الله صباحی و سرکار خانم صباحی، که غلط‌گیری ابتدایی نوشته را به سرانجام رساندند، تشکر کنم. همچنین علاقمندم خوانندگان عزیز، مخصوصاً هنرمندان جوان و باهوش، نظرات خود را به آدرس: ostadikazem@yahoo.com در اختیارم قرار دهند.

کاظم استادی

قم / خرداد ۱۳۹۲



بخش اول:

اندیشه تغییر خط

در

امپراطوری اسلام

Handwritten text in a cursive script, likely a form of shorthand or a specific dialect, arranged in vertical columns. The characters are highly stylized and repetitive, suggesting a systematic notation system. The text is written on a light-colored background, possibly paper or parchment, and is oriented vertically from right to left.

اندیشه تغییر خط

چرا و چگونه و از کجا در «امپراطوری اسلام» آغاز شد؟

اندیشه تغییر و تکامل خط عربی - فارسی، از قرن اول هجری قمری تا زمان حال را، می توان حداقل به سه دوره یا بخش تقسیم نمود:

۱- اندیشه تغییر خط در «امپراطوری اسلام»

۲- اندیشه تغییر خط در «کشورهای اسلامی»

۳- اندیشه تغییر خط در «ایران»

هر کدام از اینها، داستان خواندنی خود را دارد که ما به هر کدام از این عناوین، تحت یک مقاله جداگانه، پرداخته ایم.^۱ در این مجال، به «اندیشه تغییر خط در امپراطوری اسلام» می پردازیم.

۱. ر.ک. به: مجله آئین پژوهش بهار ۱۳۹۱. و نیز مجله بهارستان بهار ۱۳۹۱، نوشته کاظم استادی.

«خط عربی» در آغاز در قلم نسخ^۱ برگرفته از شیوه نگارش خط نبطی^۲ نوشته می‌شد. با فتح تیسفون^۳ قلم کوفی نیز بر آن اضافه شد که در کوفه رایج شد^۴ و این همان قلمی است که دیوانسالاران اصلاحات خود را بر آن اعمال کردند که بزودی در قلم نسخ نیز انجام شد.



۱. هر چند که برخی، خط نسخ را، خطی ابداع شده در در اوایل قرن سوم هجری قمری توسط «ابن مقله»؛ که در ابتدا خطی هم پایه خط کوفی بود، میدانند. نسخ یعنی نسخه برداری یا رونوشت کردن. خط نسخ در واقع اولین خطی بود که برای تکمیل کردن نواقص و اشکالات خط کوفی و اضافه کردن اعراب و حرکات و آواها اختراع شد.
۲. نبطیان قومی از نژاد عرب بودند که در نبطیه زندگی می‌کردند، از حدود ۱۵۰ سال پیش از میلاد گونه‌ای از خط و زبان آرامی در میان ایشان رایج بود، از این خط، خطی موسوم به خط سینایی نو به وجود آمد که از سده اول پیش از میلاد تا سده چهارم میلادی در شبه جزیره سینا رواج داشت.
۳. تیسفون نام یکی از پایتخت‌های باستانی ایران است که در کشور عراق امروزی جای گرفته است. این شهر در دوران اشکانیان به عنوان پایتخت غربی ایران در منطقه میان‌رودان ساخته شد، و در دوران ساسانی ارزش خود را به عنوان مرکز نیروی سیاسی و اقتصادی نگهداشت. تیسفون نزدیک به ششصد سال پایتخت ایران بود.
۴. این شبهه که در زمان کتابت وحی، خطی بنام کوفی وجود نداشته، چندان بی دلیل نیست، چراکه خط کوفی در ابتداء به خط حیری مشهور بود و بعدها که مسلمانان کوفه را در زمان عمر خلیفه دوم، نزدیک شهر حیره و انبار بنا نمودند، این خط نام کوفی گرفت. در روایتی از ابن عباس نقل شده است که: «مردم انبار از مردم حیره خط آموخته‌اند، و یکی از آنها خط را به عبدالله بن جدعان و او به حرب بن امیه آموخته و خط حجازی قریشیان از این راه پدید آمده». (ر.ک. به: جایگاه حیره و انبار در خط دوران جاهلی)

سریانی^۱ های مقیم شام خط عربی را با چند قلم می‌نوشتند که از آن میان، قلم سطرنجیلی^۲ ویژه کتابت تورات و انجیل بوده است.

قلم کوفی از قلم سطرنجیلی پدید آمد و هر دو قلم از هر جهت بهم می‌مانند.^۳

کاف	یود	طت	حط	زین	واو	و	دالت	گیمل	بت	الف
כ	ד	ט	ח	ז	ו	ו	ד	ג	ב	א
تاو	شین	رش	قوف	صاد	ف	عین	سیمکت	نون	میم	لامد
ת	ש	ר	ק	פ	צ	ע	ס	נ	מ	ל

۱. سریانی (ܠܥܘܠܡܘܗܘܢ ܠܫܢܐܘܢ ܫܪܝܝܐ) یکی از گویش‌های زبان آرامی و عبرانی است که خاستگاهش شمال میانرودان است که به خط سریانی نگارش می‌شده است. این زبان پس از چیرگی اسکندر بر ایران و در درازای فرمانروایی سلوکیان با واژگان یونانی درآمیخت و چهره‌ای دیگر یافت. از این پس سریانی زبانی دانشیک گردید. نوشته‌های گرانبهایی درباره روزگار ساسانی و اشکانی به این زبان نوشته شده است و هنوز هم این زبان گویشورانی دارد. بسیاری از آثار علمی یونانی و پهلوی و عبری به این زبان برگردانده شده است. خط سریانی از فرزندان خط آرامی به شمار می‌آید.
۲. خط استرانجیلی یا سطرنجیلی یا اسطرانجلا، خطی از خطوط القبا‌ی سریانی و بهترین و شیواترین و قدیمترین خطوط سریانی بوده است، که به سریانی کلاسیک نیز موسوم است. نام این خط از دو واژه «سطرا» و «ایونجلیون» به معنی نگارش انجیل گرفته شده است. در نوشتن اناجیل اولیه سریانی از این خط استفاده می‌شده است.
۳. عربها در سفرهای بازرگانی که بشام می‌رفتند خط نبطی را از مردم حوران و خط حیری (کوفی) را از عراق آورده‌اند و همانطور که تورات به خط «سطرنجیلی» تحریر می‌یافت، آنها نیز قرآن را با خط کوفی نوشتند. در خط کوفی و خط سطرنجیلی چنین رسم است که اگر الف محدود در وسط کلمه واقع می‌شد، در کتابت از قلم می‌افتاد. چنانکه در اوایل اسلام، مخصوصاً در تحریر قرآن این قاعده کاملاً مراعات می‌شد و بجای «کتاب» می‌نوشتند «کتب»، یا بجای «ظالمین»، «ظلمین» می‌نوشتند.

تو بگو که در کتب
تخلیفات افروزان
بد نگارانی کنونی
سنگین است که در
سنگین است که در
تو بگو که در کتب
تخلیفات افروزان
بد نگارانی کنونی
سنگین است که در
سنگین است که در
تو بگو که در کتب
تخلیفات افروزان
بد نگارانی کنونی
سنگین است که در
سنگین است که در

متن ترجمه سریانی کتاب خروج (آیات ۱۴ تا ۱۶ از فصل ۱۳)
از عهد عتیق متعلق به قرن پنجم، به خط سطرنجیلی

بنابراین؛ در آغاز پیدایش اسلام در جزیره العرب، دو خط «کوفی» و «نسخ» وجود داشته است،^۱ که خط کوفی از رواج بیشتری برخوردار بوده است. منظور از رواج، کاربرد می‌باشد. چرا که تعداد باسوادان در آن زمان و در آن منطقه، بسیار ناچیز بوده است.^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُ وَكَبُرَ كُفْرًا
 لِحَمْدِ اللَّهِ كَسْرًا وَسُبْحَانَ
 اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصْلًا وَلِئَلَّا
 تُطَوَّلَ عَلَاقُ الْكُفَّارِ
 حَبْرًا وَمِثْرًا وَسَبْرًا
 قَبْلَ عَمْرٍوسَ مَبْدُوتًا
 أَلَا سَكْرًا مَا مَعَكُمْ مَلَأَ
 دَسًّا وَمَا نَجْرًا وَلَمْ يَكُنْ
 لَكُمْ مَعَكُمْ رُبًّا أَلَا لَمَسْرًا

خط کوفی از برخی خط‌های رایج در کشورهای دیگر همانند خط پهلوی در ایران، آسان‌تر بود، لیکن خود این خط نیز، دارای کمیها و عیبهای بزرگی بود.^۳

۱. کسانی گمان می‌برند، خط نسخ را «ابن مقله وزیر» خطاط بنام، پدید آورده است، ولی این گمان درست نیست و خط نسخ از خط‌های باستان عربها بوده و همزمان با خط کوفی در جزیره العرب وجود داشته است.

۲. در بین قریش تنها ۱۷ نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند. فتوح البلدان، ص ۴۵۳.

۳. همچون: همانندی واتها در نوشتن و نبودن «اعراب» و دیگر نشانه‌ها در میان الفبا.

برخی مسلمانان دانشمند، از نخست، هوشیار برخی از این عیبها بوده و برای از میان بردن آن عیبها و رسایی خط، کوششهایی کرده و کارهایی انجام داده‌اند، که اینک برخی از آنها را به اختصار، پس از یک مقدمه، در اینجا می‌آوریم.



در خطوط رایج ابتدایی آغاز قرن اول هجری

شاید تعجب کنید، همانگونه که اشاره شد؛ اعراب، خطی از خود نداشته‌اند. باید بدانیم که، خطی که از «حمیر»^۱ و «انبار»^۲ به عربستان رفته بود و در زمان ظهور اسلام نشر یافته است، خط عربی نیست، بلکه زبان عربی به این خط نوشته می‌شده است.

اما چون آثار مخطوط در قرون اولیه اسلامی و پس از آن، به زبان عربی نوشته می‌شد، خطی که با آن، زبان عربی ثبت می‌گردید، به نام «خط عربی» مشهور گردید.^۳

۱. حَمِیر، نام قبیله بزرگ و کهن عرب قحطانی و نام دولتی در یمن. نسب آنان به حمیر بن سَبْأَینِ یَسْجُبِ بنِ یَعْرُبِ بنِ قحطان بن عابر می‌رسد. قبیله حمیر در گذشته دور در سیاست عربستان جنوبی نقشی مهم بازی کرده است. محققان در نوشته‌های چند سده قبل از میلاد نامی از حمیر نیافته‌اند. پس از میلاد مسیح، یونانیها و رومیها این قبیله معروف عرب را با نام هومریتای می‌شناختند و حبشیها آن را هم می‌خواندند. زبان حمیری را که ویژه قبیله حمیر و از زبانهای رایج در عهد باستان بوده است، اعراب حجاز به دلیل اشتغال آن به واژه‌های نامأنوس و غریب، به زبان عجم تشبیه کرده‌اند. و در مقایسه با زبان عربی حضرت اسماعیل و فرزندان او که قرآن به آن نازل شده است، حمیری زبانی غیرفصیح به شمار آمده‌است. حمیریها خطی به نام مُسَنَد داشته‌اند که مسعودی آن را شبیه خط سریانی دانسته است. بسیاری از نقوش و نوشته‌های حمیری به خط مسند باقی‌مانده‌است که برخی محققان به شرح آنها پرداخته‌اند. (محمد رضا ناجی)
۲. یکی از استان‌های هیجده‌گانه کشور عراق است. قبلاً انبار از مناطق مهم ایران در دوران ساسانی بود و به دلیل آن‌که توشه‌گاه و انبار ساز و برگ سپاه ساسانی بوده در پهلوی به نام «هنبار» خوانده می‌شده است. بسیاری مورخان انبار را بعد از تیسفون، دومین شهر مهم دوران ساسانی در غرب ایران دانسته‌اند.
۳. ر.ک. به یحیی ذکاء، در پیرامون تغییر خط فارسی، گفتار یکم.



تصویر اصل نامه پیامبر اکرم (ص) به نجاشی ، پادشاه حبشه

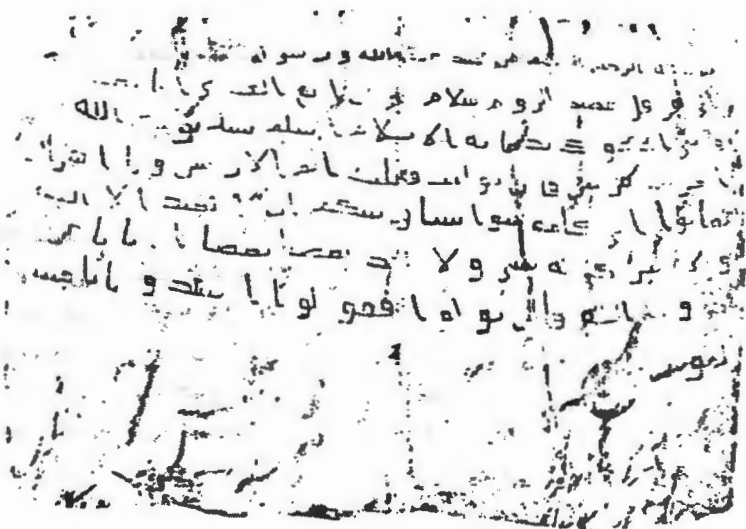
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الْمُرْسَلِ سَاوِی سَلَامٌ
الذِّی لَا اِلٰهَ اِلاَّ هُوَ
وَاللّٰهُ اَعْلَمُ
اللّٰهُ تَرَوُوهَا هِیَ سُبْحٰنَ
سَلَامٌ تَرَوُوهَا هِیَ سُبْحٰنَ
رَسُوْلٍ عَلٰی سُوْلِكَ
وَمَا رَسُوْلٌ اَبَدَ
رَسُوْلٍ اَبَدَ
رَسُوْلٍ اَبَدَ



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ اِلَى الْمُتَنَبِّرِ بْنِ سَاوِی:
سَلَامٌ عَلَیْكَ. فَاِنِّیْ اٰخَذْتُ اللّٰهَ اِلَیْكَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ غَیْرُهٗ، وَاَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، وَاَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ
وَرَسُوْلُهٗ.
اَمَّا بَعْدُ: فَاِنِّیْ اَذْكُرُكَ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ، فَاِنَّهٗ مَنْ یَنْصَحْ فَاِنَّمَا یَنْصَحْ لِنَفْسِهٖ، وَاِنَّهٗ مَنْ یُطْعَمْ رَسُوْلِیْ وَیَتَّبِعْ
اَمْرَهٗمْ فَقَدْ اطَاعَنِیْ وَمَنْ نَصَحَ لَهُمْ فَقَدْ نَصَحَ لِیْ. وَاِنْ رَسُوْلِیْ قَدْ اَتٰنَا عَلَیْكَ خَیْرًا. وَاِنِّیْ قَدْ شَفَقْتُكَ فِی
قَوْمِكَ، فَاَتْرُكُ لِلْمُسْلِمِیْنَ مَا اَسْلَمُوْا عَلَیْهِ. وَعَقُوْتُ عَنْ اَهْلِ الذُّنُوْبِ، فَاَقْبَلْ مِنْهُمْ. وَاِنَّكَ مَهْمَا تَصْلُحْ
قَلْبًا نَفَرْتُكَ عَنْ عَمَلِكَ. وَمَنْ اَقَامَ عَلٰی یَهُودِیَّتِهٖ اَوْ مَجُوسِیَّتِهٖ فَقَلْبِهٖ الْجَزِیَّةُ.



عَلَامَةُ الْخَتْمِ:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مِنْ مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، إِلَى هِرَقْلٍ عَظِيمِ الرُّومِ
 سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى. أَمَا بَعْدُ: فَإِنِّي أَدْعُوكَ بِدَعَايَةِ الْإِسْلَامِ، أَسْلِمْتَ تَسَلَّمْتَ، وَأَسْلِمْتُ يُؤْتِيكَ اللَّهُ
 أَجْرَكَ مَرَّتَيْنِ، فَإِن تَوَلَّيْتَ فَعَلَيْكَ إِثْمُ الْأُرْسِيِّينَ. وَوَيْلٌ لِأَهْلِ الْكِتَابِ تَمَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ مَسْوَمٍ بَيْنَنَا
 وَبَيْنَكُمْ، أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا، وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَإِن تَوَلَّوْا
 فَكُفْرُوا أَشْهَدُوكُمْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.

تصویر اصل نامه پیامبر اکرم (ص) به هراکلیوس